

## زنان اسوه (۱۵) نجمه مادر گرامی امام رضا، خیزران مادر گرامی امام جواد علیهم السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه: قهرمانی نژاد شائق، بهاءالدین، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: حضرت نجمه و خیزران (مادران گرامی امام رضا و امام جواد) /  
بهاءالدین قهرمانی نژاد.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۷۸ص.؛ ۹ × ۱۹/۵س م.

شابک: ۸۷۹-۴۶۹-۴۵-۴۴۳۰۴۵-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: نجمه (س)

موضوع: خیزران ماریه قبلیه

رده بندی کنگره: ۲/BP۵۲/ن ۳/ق ۹ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۹۷۹/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۹۳۷۵۹

ص: ۱

**اشاره**

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

**دیباچه**

سعادت واقعی انسان و پویایی جوامع بشری در گرو شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پر آشکار است که سیره اولیای الهی به ویژه اهل بیت خاندان وحی، متقن ترین آموزه های تربیتی و بنیادی ترین مؤلفه فرهنگ اسلامی است. شناخت واقعیت های زندگی آنان و بهره گیری از روش و منش و رفتار و گفتارشان می تواند زمینه های تعالی و سعادت واقعی انسان را فراهم سازد. از این رو پژوهش در آثار اولیای الهی به ویژه جست و جو در احوال خاندان پاک نبوت به منظور الگوگیری از آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای ایفای رسالت خود در ترویج فرهنگ اصیل اهل بیت علیهم السلام، دست به انتشار شرح حال عده ای از مردان

ص: ۸

و زنان انسان ساز در دفترهای مستقل زده است که این دفتر شرح حال نجمه مادر ارجمند حضرت رضا علیه السلام و خیزران مادر گرامی امام جواد علیه السلام است. امید است که این نوشته مورد قبول آن بزرگواران قرار گیرد.

در پایان مرکز تحقیقات حج بر خود لازم می داند که از تلاش پژوهشگر محترم آقای بهاءالدین قهرمانی نژاد و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کرده اند سپاس گزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص: ۹

### مقدمه

آشنایی با زندگی زنان برگزیده و صالح در طول تاریخ، تأثیر مهمی در الگوپذیری انسان ها دارد؛ زیرا هدف اصلی آفرینش انسان، رسیدن به بالاترین درجات تکامل روحی و معنوی است و این امر بدون بندگی خداوند متعال، محقق نمی شود. لازمه بندگی و رسیدن به قرب الهی نیز هدایت خداوند است که انبیا و برگزیدگان خداوند، این مهم را برعهده گرفته و ضمن ابلاغ دعوت حق تعالی به مردم، در مقام الگویی کامل، با عمل و نحوه زندگی و همچنین شیوه تعامل با افراد، تأثیرات شگرفی بر جوامع انسانی گذاشته اند.

یکی از پژوهش‌های مغفول در عرصه الگوپذیری و انسان‌های الگو، بررسی زندگی همسران و مادران امامان معصوم علیهم السلام است که چندان توجهی به آن نشده است. به منظور احیای این گونه پژوهش‌ها، در این

ص: ۱۰

کتاب کوشیده ایم به صورت گذرا و فشرده به زوایایی از زندگانی دو تن از مادران گرامی امامان معصوم علیهم السلام حضرت نجمه علیها السلام مادر گرامی امام رضا علیه السلام و حضرت خیزران علیها السلام، مادر گرامی حضرت جواد الائمه علیه السلام پردازیم. امید که چراغی فروزان بر سر راه حق مداران باشد، ان شاء الله.

ص: ۱۱

## فصل اول: حضرت نجمه علیها السلام

### اشاره

ص: ۱۲

ص: ۱۳

### ۱: ستاره پر فروغ

### اشاره

هرچند نام‌های متعددی برای مادر امام رضا علیه السلام در منابع به کار رفته است، ولی نجمه از دیگر اسامی مشهورتر است که در روایات متعددی به آن تصریح شده است.

(۱)

علی بن یونس عاملی، از علماء بزرگ و محدثین نامی در کتاب صراط المستقیم نوشته است:

ابوالحسن، علی بن موسی الرضا علیه السلام، اُمّه جاریّه، اسمها نجمه. (۲)

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، مادرش نجمه نام داشت.

۱- مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۴۷۵.

۲- صراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، علی بن یونس النباطی البیاضی، ج ۲، ص ۱۳۹.

ص: ۱۴

چنان که از معاصران نیز، باقر شریف القرشی (۱) و عزیزالله عطاردی (۲)، ضمن بیان ابعاد مختلف زندگانی آن حضرت، به ماجرای تولد و اسامی مادر ایشان تصریح نموده اند.

با این حال اطلاعات ما در مورد خصوصیات زندگی ایشان ناقص است که ناشی از کتمان و تقیه به سبب استبداد حاکمان عباسی است.

### ازدواج نورانی

علاقه و توجه ویژه حمیده (مادر بزرگ امام رضا علیه السلام) به فرزندش موسی بن جعفر علیه السلام باعث شد که هنگام رسیدن وی به سن ازدواج، به دنبال فرد مناسبی برای او باشد. حمیده علیها السلام، نجمه علیها السلام را که دوشیزه ای طاهره و مطهره بود را برای فرزندش در نظر گرفته بود. قطعاً این مسئله با دلالت امام صادق علیه السلام بوده است. شیخ مفید در این خصوص به روایت علی بن میثم و او به پدرش استناد کرده و می

نویسد:

لَمَّا اشْتَرَيْتُ لِحَمِيدَةَ، أُمَّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أُمَّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، نَجْمَةَ عَلَيْهَا  
السَّلَامُ، ذَكَرْتُ حَمِيدَةَ أَنَّهَا رَأَتْ فِي

۱- حیاہ الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام.

۲- الامام الرضا علیه السلام حیاتہ و سندہ.

ص: ۱۵

الْمَنَامِ رَسُولَ اللَّهِ (ص)، يَقُولُ لَهَا يَا حَمِيدَةُ، هَبِي نَجْمَةَ لَابْنِكَ مُوسَى، فَإِنَّهُ سَيُؤَلِّدُ لَهُ مِنْهَا  
خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ، فَوَهَبْتُهَا لَهُ. (۱)

وقتی که کنیزی برای حمیده علیها السلام بردم که نجمه نام داشت، وی فرمود: در خواب،  
پیامبر (ص) را دیدم که به من می فرمود، ای حمیده، نجمه را به تزویج فرزندان موسی  
در آور که در اثر آن، بهترین اهل زمین از وی متولد شود و من نیز چنین کردم.

این روایت می تواند مؤید این معنا باشد که نجمه علیها السلام، مدتی را از حضور علمی  
و عملی حضرت حمیده علیها السلام، استفاده کرده است. اما مؤید کامل این مسئله  
روایتی است که در آن چنین آمده است:

اشْتَرَيْتُ حَمِيدَةَ الْمُصَفَّاهُ وَ هِيَ أُمُّ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ كَانَتْ مِنْ أَشْرَافِ الْعَجَمِ،  
جَارِيَةً مَوْلِدَةً وَ أَسْمُهَا تُكْتَمُ وَ كَانَتْ مِنْ أَفْضَلِ النِّسَاءِ فِي عَقْلِهَا وَ دِينِهَا وَ إِعْظَامِ لِمَوْلَاتِهَا  
حَمِيدَةَ الْمُصَفَّاهُ حَتَّى أَنَّهَا مَا جَلَسَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا مِنْدُ مَلِكْتِهَا إِجْلَالاً لَهَا فَقَالَتْ لِابْنِهَا مُوسَى يَا  
بَنِيَّ إِنَّ تُكْتَمَ جَارِيَةً مَا رَأَيْتُ جَارِيَةً قَطُّ أَفْضَلَ مِنْهَا وَ كَسْتُ أَشْكُ أَنَّ اللَّهَ سَيَطْهَرُ نَسْلَهَا إِنْ  
كَانَ لَهَا نَسْلٌ وَقَدْ وَهَبْتُهَا لَكَ

۱- الاختصاص، شیخ مفید، ص ۱۹۶.

ص: ۱۶

فَأَسْتَوْصِ بِهَا خَيْرًا. (۱)

مادر امام کاظم علیه السلام جناب حمیده مصفاة که از اشراف و بزرگان عجم بود، کنیزی مؤلده (۲) به نام تکتم خریداری کرد. تکتم از نظر عقل و دین و احترام به بانویش حمیده جزء بهترین زنان بود به گونه ای که از زمانی که در ملکیت جناب حمیده درآمد، از روی احترام و آداب در مقابل آن بانو نمی نشست، لذا جناب حمیده به فرزندش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام گفت: پسر، تکتم کنیزی است که بهتر از او کنیزی ندیده ام و شک ندارم که اگر نسلی از او به وجود آید، خداوند آن نسل را پاک و مطهر قرار می دهد. او را به تو بخشیدم با او به نیکی رفتار کن.

با این مقدمات، این ازدواج بزرگ و مهم، صورت واقع به خود گرفت و امام کاظم علیه السلام، با این دوشیزه نیک سیرت ازدواج کرد.

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۲۴؛ کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، ج ۳، ص ۱۰۵.

۲- کنیز مؤلده، کنیزی را گویند که در بین عرب ها متولد شده و با اولاد آنها بزرگ شده و با آداب و رسوم ایشان پرورش یافته است.

ص: ۱۷

۲: میلاد ثامن الحجج علیه السلام

مدتی از پیوند آسمانی امام موسی بن جعفر علیه السلام با نجمه علیها السلام می گذشت. این همسر تربیت شده خاندان امامت، می دانست که مسئولیت بزرگی به دوش خواهد داشت. او نیک آگاه بود که خداوند متعال، سعادت مادری حجت بزرگ الهی را به دوش وی قرار داده است.

وی در ایام حاملگی، گاهی در رؤیا، صدای مناجات قدسی و زیبایی را به گوش جان می شنید. توگویی که این فرزند، مانند جدّه اش فاطمه زهرا علیها السلام، قبل از تولد انیس و مونس مادرش حضرت خدیجه علیها السلام بود. (۱)

۱- الثاقب فی المناقب، عماد الدین ابن حمزه طوسی، ص ۲۸۵.

ص: ۱۸

حضرت نجمه علیها السلام خود در این باره می فرمود:

لَمَّا حَمَلْتُ بِأَبْنِي الرُّضَا لَمْ أَشْعُرْ بِثِقَلِ الحَمْلِ وَ كُنْتُ أَسْمَعُ فِي مَنَامِي تَسْبِيحًا وَ تَهْلِيلًا وَ تَمْجِيدًا مِنْ بَطْنِي فَيَفْزَعُنِي ذَلِكَ وَيَهْوُنِي فَإِذَا انْتَبَهْتُ لَمْ أَسْمَعْ شَيْئًا. (۱)

یعنی وقتی که به فرزندم رضا علیه السلام حامله شدم، از سنگینی و آثار حمل چیزی حس نمی کردم، اما دائماً در خواب خویش، صدای تسبیح و تهلیل و تمجید را از شکم خویش می شنیدم، که باعث هول و هراس من می شد همین که بیدار می شدم، چیزی نمی شنیدم.

نیمه های شب یازدهم ذی القعدة به فجر طالع و سپیده صادق نزدیک می شد. قدوسیان در عالم عرش، نوای خلد سرداده بودند و کرویان آماده هم نوایی با ایشان گشته و اهل خانه موسی بن جعفر علیه السلام در کنار روضه نبوی (ص) در همان حالی که حضرت



در حال مناجات بود، منتظر قدوم رضای اهل بیت علیهم السلام بودند. چشمان منتظر حضرت حمیده علیها السلام و بانوان اهل بیت علیهم السلام به سوی حجره محل استراحت حضرت نجمه دوخته

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴؛ الخرائج و الجرائح، قطب راوندی، ج ۱، ص ۳۳۷.

ص: ۱۹

شده بود. لحظه موعود فرا رسید و قبل از طلوع فجر، فجر حقیقی طالع شد و نوری زیبا، خانه آن حضرت را فرا گرفت.

آری به واقع، خیر اهل الارض و بهترین عطیه الهی که پیامبر (ص) پیش بینی کرده و در رؤیای صادق، به مادر بزرگش حضرت حمیده علیها السلام فرموده بود، قدم به عرصه وجود گذاشت. در آن هنگام که ولوله شادی از حجره نجمه علیها السلام بلند شده بود، نوزاد را به آغوش پدر که در کنار بستر نجمه علیها السلام نشسته بود، دادند. در روایت آمده است، به محض اینکه امام کاظم علیه السلام چشم مبارکش به امام رضا علیه السلام افتاد، به همسرش چنین تبریک گفت:

«هِنِيئاً لَكَ يَا نَجْمَهُ كَرَامَهُ رَبِّكَ» (۱)؛ «گوارا باد بر تو ای نجمه کرامت خداوند».

در دنباله این روایت از قول نجمه علیها السلام آمده است:

فَنَاوَلْتُهُ أَيَّاهُ فِي خِرْقَةٍ بَيْضَاءَ. (۲)

نوزادم را در پارچه سفیدی پیچیده به دست مبارک پدرش دادم.

سپس در دنباله روایت می خوانیم:

فَاذَّنَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَ أَقَامَ فِي الْيُسْرَى وَ دَعَا

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹.

ص: ۲۰

بِمَاءِ الْفُرَاتِ فَحَنَّكَ بِهِ ثُمَّ رَدَّهُ إِلَيَّ وَقَالَ: خُذِيهِ فَإِنَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَرْضِهِ

(۱).

پس در گوش راست و چپ او اذان و اقامه گفت، و قدری آب فرات طلب نمود (که پیوندی بین نوزاد و جدّ غریبش حسین علیه السلام باشد) و کامش را با آب فرات برداشت و به من برگرداند و فرمود: آگاه باش که او حجت باهره حق تعالی روی زمین خواهد بود.

امام کاظم علیه السلام در تولّد فرزندش فرموده:

بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ إِذَا أَتَانِي جَدِّي وَأَبِي عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَمَعَهُمَا شِقَّةُ حَرِيرٍ فَنَشْرَاهَا فَإِذَا قَمِصٌ وَفِيهِ صُورَةُ هَذِهِ الْجَارِيَةِ، فَقَالَا يَا مُوسَى لِيَكُونَنَّ لَكَ مِنْ هَذِهِ الْجَارِيَةِ خَيْرٌ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدَكَ، ثُمَّ أَمَرَانِي إِذَا وَكَلْتَهُ أَنْ أُسَمِّيَهُ عَلِيًّا وَقَالَا لِي: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ سَيُظْهِرُ بِإِلَهِ الْعَدْلِ وَالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ طُوبَى لِمَنْ صَدَّقَهُ وَوَيْلٌ لِمَنْ عَادَاهُ وَجَحَدَهُ. (۲)

زمانی در رؤیا دیدم که جدّم امام باقر علیه السلام به همراه پدرم امام صادق علیه السلام نزد من آمده و همراهشان پارچه ای از حریری بود که چشم را خیره می کرد، وقتی آن حریر را گشودند، چهره این کنیز [همسر

نجمه] را در آن دیدم و به من فرمودند: ای موسی،

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹.

۲- الانوار البهیة، شیخ عباس قمی، ص ۲۱۰.

ص: ۲۱

از این کنیز برای تو بهترین اهل زمین متولد شود. سپس فرمودند که بعد از تولد نام او را علی بگذارم و به من فرمودند خداوند به برکت او، عدالت، رأفت، رحمت و مهربانی را آشکار خواهد نمود. پس خوش به حال کسی که او را تصدیق کرده و وای به حال آن که با او دشمنی و او را انکار کند.

ص: ۲۲

ص: ۲۳

### ۳: تولّد کریمه اهل بیت علیها السلام

یکی از فرزندان مهمّی که حضرت نجمه علیها السلام، علاوه بر امام رضا علیه السلام به دنیا آورد، دختری بود که فاطمه نام گرفته و بعدها به القابی مانند معصومه و کریمه اشتهار یافت. تاریخ ولادت فاطمه معصومه علیها السلام به نقلی سال ۱۸۳هـ. ق یا ۱۷۵هـ. ق (۱) است. ولی در روز ولادت وی تردیدی نیست و همه محدثین و مورخین، اوّل ذی

القعهه را، زادروز وی دانسته اند. (۲) بر اساس نقل اول، در ایام اسارت و زندانی بودن امام کاظم علیه السلام که منجر به شهادت وی شد، حضرت نجمه علیها السلام به این دختر والامقام، باردار بوده است. اما بر پایه نقلی دیگر

۱- اعلام النساء المؤمنات، محمد حسون و أمّ علی مشکور، ص ۵۷۶.

۲- اعلام النساء المؤمنات، محمد حسون و أمّ علی مشکور، ص ۵۷۶.

ص: ۲۴

آن حضرت در زمان شهادت پدرش دختری هشت ساله بوده است.

دختر والانسب موسی بن جعفر، بیشترین زمان خود را علاوه بر مادر، در محضر برادرش امام رضا علیه السلام می گذراند. عشق و علاقه وافر به برادر که به مقام حجت اللّهی رسیده بود، او را به محضر علم و فضل وی کشانده و به زودی، شرایع دین و آموزه های حقیقی کتاب و سنت نبوی (ص) را از حضور وی کسب کرده و خیلی زود، به دختری فاضله و عالمه مشهور گردید.

وی در مراتب علم و یقین و ایمان به حدّ بالایی رسید. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، در روایت آثار اجداد طاهرین خویش نیز مقامی ممتاز یافت. او از جمله راویان واقعه مهم، متواتر و تاریخ ساز، غدیرخم محسوب می شد. (۱) علاوه بر قرار داشتن در سلسله روایات حدیث غدیر، احادیث دیگری نیز از طریق پدران خویش نقل کرده است. از جمله، او از برادرش حضرت رضا علیه السلام و از طریق وی از پدرش امام

۱- علامه امینی نام وی را در سلسله روایات حدیث غدیر آورده است. ر. ک: الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۷. نقل از کتاب: زنان دانشمند و راوی حدیث، احمد صادقی اردستانی، ص ۳۵۴.

ص: ۲۵

موسی بن جعفر علیه السلام و او از پدرش امام صادق علیه السلام و او از پدرش امام باقر علیه السلام و او از پدرش امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده که هنگام تولد حضرت امام حسین علیه السلام، پیامبر (ص) به عمه اش صفیه فرمود: «عمّه جان، فرزندم را نزد من بیاور». صفیه عرضه داشت: «اجازه بدهید که ابتدا او را شست و شو داده و سپس به نزد شما بیاوریم». پیامبر (ص) فرمود: «نیاز به این کار نیست؛ زیرا خداوند او را پاک و طاهر آفریده است». (۱)

حضرت معصومه علیها السلام، بعدها زندگی بسیار پرماجرایی را تجربه نمود. بعد از شهادت پدر و در دوران امامت برادرش، یار و یاور وی در اموری بود که امامش به وی محوّل می نمود. او به طور قطع، به دلیل علم و کمالاتی که داشت، مورد مراجعه بانوان و زنان بود، وی تا زمانی که برادرش در مدینه بود، یار و یاور او و هنگامی که در سال ۲۰۱ ه. ق به ایران رفت، بعد از مدتی به شوق دیدار برادر، با تعدادی از نزدیکان به سوی برادرش رهسپار شد. اما وقتی که در مسیر حرکت در ایران، از مناطق مرکزی عبور می کرد،

---

۱- الامالی، شیخ طوسی، ص ۸۲.

ص: ۲۶

کاروان کوچکش مورد حمله حاکمان محلی قرار گرفته و تعدادی در این میان به شهادت رسیدند. وی به همراه چند نفر، به سمت قم که در آن هنگام عده ای از قبایل علاقه مند به اهل بیت علیهم السلام، از خزرگیان و مردم محلی در آنجا ساکن بودند، حرکت کرد و پس از چند روز در این شهر درگذشت.

عظمت وی چنان بود که امام جواد علیه السلام در وصف وی فرمود: «هر کس مرقد او را با معرفت زیارت کند، اهل بهشت است». (۱)

بنابراین، خداوند متعال نجمه علیها السلام را به آزمایش های گوناگونی آزمود که شهادت همسر و فراق فرزند از جمله آنها بود.

از زمان درگذشت این بانوی بزرگوار اطلاعی در دست نیست؛ ولی گفته شده محل دفن ایشان در نزدیکی های مشربه ام ابراهیم در مدینه است. (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶.

۲- تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان، ص ۲۷۶.

ص: ۲۷

## فصل دوم: حضرت خیزران علیها السلام

### اشاره

ص: ۲۸

ص: ۲۹

### ۱: جواهری از غرب حاکمیت اسلامی

گسترش اسلام به سرزمین های شامات و آفریقا، باعث هجرت گروهی از نومسلمانان به سمت حجاز (عربستان) شد. (۱)

این اشخاص، به دلیل علاقه و انس شدیدی که به اسلام پیدا کرده بودند، در دو شهر مهم مکه و مدینه مستقر می شدند. از میان این افراد، گروهی از انسان های آزاد و دلباخته روضه نبوی (ص) و اهل بیت علیهم السلام، مدینه را برای سکونت برگزیدند و عده ای دیگر نیز که به صورت غلام یا کنیز وارد شهر پیامبر (ص) شدند، در اثر ارتباط با این خاندان، به مقامات روحی فوق العاده ای

۱- این تردّد دو طرفه بوده است؛ یعنی همچنان که نومسلمانان مناطق غرب اسلامی به مناطق حجاز و عراق رفتند، برخی مسلمانان عرب حجاز و عراق نیز، به این سرزمین ها رفته و به دلائل مختلف - که بعضاً جنبه مذهبی و تبلیغی داشته است - در همان جا ساکن شدند و تولید نسل کردند.

ص: ۳۰

رسیده و منزلتی عظیم یافتند. حضرت خیزران علیها السلام، از والاترین اشخاص گروه دوم بود که بعد از پیمودن مسیری طولانی (از غرب حاکمیت اسلام) و با مشیت حق تعالی به خانه امام رضا علیه السلام راه پیدا کرد.

با جست و جو در منابع، این نکته به دست می آید که احتمالاً آن حضرت از خاندانی می باشد که ماریه قبطیه (همسر پیامبر (ص) و مادر ابراهیم فرزند رسول الله (ص)) از آن بوده است. اولین سند معتبر در این مورد، کلام محمد بن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۹ ه. ق) است که می فرماید:

رُوی أنّها کانت من اهل بیت ماریه، أمّ ابراهیم بن رسول الله (ص). (۱)

روایت شده که وی از خاندانی بوده است که منتهی به ماریه قبطیه می شده است.

بزرگان دیگری نیز این رأی را پذیرفته اند، مانند علامه فضل بن حسن الطبرسی (متوفای ۵۴۸ ه. ق) که به صراحت می گوید:

«وَكَاثَتٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مَارِيَةَ الْقُبَيْطِيَّةِ» (۲)؛ «وی از خاندانی بود که نسبش به ماریه قبطیه می رسد».

از میان محققان متاخر، می توان به شارح اصول

۱- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۴۹۲.

۲- تاج الموالید فی موالید الائمة و وفیاتهم، فضل بن حسن الطبرسی، ص ۵۲.

ص: ۳۱

کافی، ملا صالح مازندرانی (متوفای ۱۰۸۱ ه. ق) اشاره کرد که عیناً این مطلب را از کافی نقل کرده است. (۱) محقق بحرانی (متوفای ۱۱۸۶ ه. ق) نیز در این باره می نویسد:

«وَكَاثَتٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مَارِيَةَ الْقُبَيْطِيَّةِ؛ أُمُّ إِبْرَاهِيمَ ابْنِ النَّبِيِّ (ص)». (۲)

برای این موضوع می توان دو وجه تصور نمود: اول اینکه با توجه به منزلت خاصی که ماریه قبطیه نزد پیامبر (ص) داشت، پس از به دنیا آوردن ابراهیم، برخی از زنان پیامبر (ص) به او حسادت کردند. به همین دلیل رسول خدا (ص)، منزلی را برای او در خارج از شهر مدینه و در یکی از باغات که امروزه به «مشربه أم ابراهیم» مشهور است، تدارک دید (۳)، نام این بانو و خاطره وی برای اهل بیت علیهم السلام چنان بوده که اگر شخصی به منطقه قبطیون مصر منتسب می شد و عمل و اعتقادش نیز صحیح بود، مورد تکریم ایشان قرار می گرفت. دوّم، اینکه آن بانو از خاندانی است که به ماریه قبطیه منسوب می باشد و به نظر احتمال دوّم، موافق ظاهر و نزدیک تر به واقع است.



۱- شرح اصول الکافی، ملا صالح مازندرانی، ج ۷، ص ۲۸۴.

۲- الحدائق الناضره، محقق بحرانی، ج ۱۷، ص ۴۳۸.

۳- ر. ک: آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، ص ۲۶۰.

ص: ۳۲

ص: ۳۳

## ۲: اسامی مادر امام جواد علیه السلام

در گزارش های روایی و تاریخی برای مادر بزرگوار حضرت جواد الائمه علیه السلام اسامی متفاوتی ذکر شده است، اما بیشتر منابع در نام «خیزران»، اتفاق نظر دارند. در اینجا به چند نمونه از مشهورترین این گزارش ها اشاره می کنیم. کلینی (ره)، ضمن بیان چند نام می فرماید:

«قِيلَ إِنَّ اسْمَهَا كَانَ خَيْرَانَ» . (۱)

الخصیبی (متوفای ۳۳۴هـ. ق) نیز چنین آورده است:

«اسم أمه خَيْرَانُ المَرِيْسِيَّةُ» (۲)؛ «نام مادر امام جواد علیه السلام، خیزران از اهالی مریس (۳) بوده است» .

همین طور شیخ صدوق (ره) (متوفای ۳۸۱هـ. ق) در

۱- الکافی، ج ۱، ص ۴۹۲.

۲- الهدایه الکبری، ابو عبدالله حسین بن حمدان الخصیبی، ص ۲۹۵.

۳- احتمالاً منطقه ای از نوبه و مغرب است.

ص: ۳۴

برخی آثار خویش تصریح کرده است که:

أَبُو جَعْفَرٍ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ، أُمُّهُ جَارِيَةٌ، اسْمُهَا خَيْرَانٌ. (۱)

امام ابوجعفر، محمد بن علی، آن امام پاک سیرت، مادرش کنیز و نامش خیزران بوده است.

همچنین، محمد بن جریر الطبری الشیعی، (متوفای اوائل قرن چهارم)، ضمن بیان چند نام چنین نوشته است:

«يُقَالُ لَهَا خَيْرَانٌ وَاللَّهُ أَعْلَمُ». (۲)

علامه طبرسی (متوفای ۵۴۸ ه. ق) نیز پس از بیان چند نام، خیزران را ترجیح داده و می نویسد:

أُمُّهُ أُمَّ وَلَدٍ، يُقَالُ لَهَا أُمُّ الْبَنِينِ وَكَانَ اسْمُهَا سَكْنُ النَّوْبِيَّةِ وَيُقَالُ خَيْرَانُ الْمَرِيْسِيَّةِ وَيُقَالُ شَهْدَةَ وَالْأَصْحَحُّ خَيْرَانٌ. (۳)

مادر آن حضرت را امّ البنین، سکن نوبی، خیزران المریسیه و شهده گفته اند، ولی صحیح تر خیزران است.

ابومنصور طبرسی، صاحب کتاب «الاحتجاج» (۴) نیز

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص ۳۰۷.

۲- دلائل الامامه، ص ۳۹۷.

۳- تاج الموالید، ص ۵۲.

۴- الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، ج ۲، ص ۱۳۷.

ص: ۳۵

همین نظر را پذیرفته است. ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸ ه. ق) هم معتقد است که نام وی «دُرّه» به معنای «گوهر» بوده و امام رضا علیه السلام او را خیزران نامیده است. وی می نویسد:

مادر آن حضرت، کنیزی بوده که نامش دُرّه و از اهالی مریس بود؛ پس امام رضا علیه السلام او را خیزران نامید و او از خاندان ماریه قبطیه بوده و سبیکه نیز نامیده می شد و گفته اند از اهل نوبه (۱) بوده و ریحانه نام داشته و مکّنی به امّ الحسن بوده است. (۲)

۱- همان منطقه ای که فضه (خادمه حضرت زهرا علیهما السلام) از آن دیار بود.

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۴۹.

ص: ۳۶

ص: ۳۷

**۳: وجه تسمیه خیزران علیها السلام**

واژه خیزران در زبان عرب، به معنای «درخت» یا «گیاه بابرکت» است. ابن منظور (متوفای ۷۱۱ ه. ق) در این باره نوشته است:

قال ابن سيده، الخيزران نباتٌ لِينُ القُضبانِ أَمَلَسُ العِيدانِ، لا يَنْبُتُ بِيَلادِ العَرَبِ وَأَمَّا يَنْبُتُ بِيَلادِ الرُّومِ. (۱)

به نقل از ابن سیده [از لغویین معروف عرب]، خیزران درختی است نرم که چوب آن دارای خاصیت چسبندگی و استحکام با بوی خوش بوده و در سرزمین های عربی رویده نمی شود، بلکه مختص ممالک روم می باشد.

زبیدی (متوفای ۱۲۰۵ ه. ق) نیز عین همین مطلب

۱- لسان العرب، ج ۴، ص ۲۳۷.

ص: ۳۸

را آورده است. (۱)

این قرائن لغوی به علاوه گزارش منابع روایی و تاریخی، ما را به این واقعیت راهنمایی می کند که خیزران، لقبی است که به دلیل وجود برکات روحی و معنوی این بانو به ایشان اعطا شده و در اثر کثرت استفاده از این وصف، به خیزران معروف شده است.

علاوه بر منابع لغوی، در نوشتار مورخان و محدثان شیعه و اهل سنت به وجه تسمیه و پیشینه این نام مبارک توجه شده که به چند مورد اشاره می شود.

در منابع تاریخی آمده است که هشام بن عبدالملک - از حاکمان بنی امیه - در موسم حج، به جهت کثرت جمعیت نتوانست استلام حجر کند. بنابراین در گوشه ای نشست و

به اتفاق همراهان به خیل جمعیت نگاه می کرد. ناگاه مشاهده کرد امام سجاد علیه السلام با کمال وقار در حال طواف است. هنگامی که به محل استلام حجر رسید، مردم برای ایشان راه باز می کنند. در این هنگام یکی از همراهان او که ظاهراً از امیران نواحی اطراف دمشق بود و امام را نمی شناخت، با تعجب از

۱- تاج العروس، ج ۳، ص ۱۷۵.

ص: ۳۹

هشام پرسید: «او کیست که مردم چنین احترامش می کنند؟!» هشام پاسخ داد: «نمی شناسم!»، فرزدق شامی که به اهل بیت علیهم السلام علاقه فراوانی داشت، بلافاصله گفت: «اما من او را به خوبی می شناسم و اگر خواهی، او را معرفی کنم». آن گاه بدون اینکه منتظر دستور هشام شود، با قصیده ای غراً و بسیار پرمعنا و زیبا، امام را چنین معرفی کرد:

یا سائلی آینَ حَلَّ الجُودُ والکَرَمُ

عندی بَیانُ اذا طُلابُهُ قَدُموا

هَذَا الَّذی تَعْرِفُ البَطحاءُ وَطائَهُ

وَالبیتُ یَعْرِفُهُ وَالحِلُّ وَالحَرَمُ (۱)

ای کسی که سؤال می کنی معدن جود و آقایی کجاست؟ اگر جویندگان جود و کرم نزد من آیند، به آنها معرفی خواهم کرد. این آقایی است که سرزمین بطحاء [مکه] جای پای قدم های او را می شناسد، همان طور که کعبه و اطراف آن او را می شناسند.

وی ضمن برشمردن اجداد طاهرین امام و بیان فضایل بی شمار ایشان، در حالی که رنگ به رخساره هشام نبود در توصیف امام سجاد علیه السلام چنین سرود:

۱- حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ابونعیم اصفهانی، ج ۳، ص ۱۳۹.

ص: ۴۰

فِي كَفِّهِ خَيْرَانِ رِيحُهُ عَبِقٌ

مِنْ كَفِّ أَرْوَعٍ فِي عَرْنِينِهِ شَمَمٌ (۱)

دست او مانند چوب خیزران خوشبوست که در دست وی و از باطن او متجلی است.

در این بیت لفظ خیزران به معنای چوب درخت خوشبو، یا گیاه بابرکت است. علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ه. ق) در کتاب «بحارالانوار» ضمن بیان این بیت، عبق را به بوی بسیار دل انگیز معنا کرده و چنین گفته است:

رَجُلٌ عَبَقَ إِذَا تَطَيَّبَ بَادِنِي طَيْبٍ لَمْ يَذْهَبْ عَنْهُ أَيَّامًا. (۲)

لفظ خیزران در جایی است که فردی عطر استفاده کند، به طوری که تا مدتی بوی آن زائل نشود.

آنچه گذشت نمونه ای از وجه تسمیه مناسب این نام و مطابقت معنای خیزران با برکات وجودی این بانوی طاهره بود.

۱- تاریخ ابن عساکر، ص ۳۳۴؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین هیشمی، ج ۹، ص

۲۰۰؛ الروضه البهیه، زین الدین جبعی عاملی، ج ۶، ص ۱۲۴.

۲- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۲۹.

ص: ۴۱

#### ۴: ازدواج با امام رضا علیه السلام

درباره جریان ازدواج حضرت امام رضا علیه السلام با حضرت خیزران، اطلاعات دقیقی نداریم، ولی با بررسی برخی منابع، به این نکته پی می بریم که این دوشیزه پاک سیرت، در مدینه متولد شده و احتمالاً با پدر و مادرش - از نوبه یا مغرب و در اثر فتوحات - به شهر پیامبر (ص) قدم گذاشته است.

ابی نصر بخاری (متوفای ۳۴۱ ه. ق) به این مطلب تصریح کرده و می نویسد:

«أُمُّ أُمَّ وَكَلَّ يُقَالُ لَهَا خَيْرَانِ مِنْ مُوَلِّدَاتِ الْمَدِينَةِ» (۱)؛ «مادر امام جواد علیه السلام از کسانی بود که در مدینه متولد گردید».

ابن فتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ ه. ق) نیز در این

۱- سر سلسله العلویه، ص ۳۸.

ص: ۴۲

زمینه چنین می نویسد:

هشام بن احمر از یاران امام کاظم علیه السلام نقل می کند: روزی آن حضرت با من سخن می گفت و پرسید: هشام! آیا به تازگی شخصی از مغرب [سرزمین های غرب خلافت اسلامی]، وارد مدینه شده است؟ (۱)

هشام می گوید: عرض کردم، خیر، گمان نمی کنم چنین باشد! امام فرمود: اشتباه می کنی، بلکه به تازگی، شخصی که چند کنیز همراه اوست به مدینه آمده است. (۲)

هشام می گوید: به همراه ایشان حرکت کرده و به محلی که در آن، همان شخص با چند جاریه [یا کنیز] بود، وارد شدیم. امام به آن شخص [صاحب کنیزان]، اشاره کرد که کنیزان خود را عرضه کند. وی هفت کنیز به امام نشان داد و امام فرمود: هیچ یک از ایشان مورد نظر من نیستند و سپس فرمود: اگر کنیز دیگری داری، به ما نشان بده. آن شخص عرض کرد: تنها

۱- این بیان امام گویای آن است که هشام احمر، یا فرد مطلعی بوده و یا با مسئله فروش غلامان یا کنیزان ارتباطی داشته است و نکته مهم تر اینکه شهر مدینه به صورتی بود که اگر شخصی غیر عرب وارد آن می شد، همگان متوجه می شدند.

۲- مبحث کنیزداری یا داشتن غلام در اسلام، برای مقابله با برده داری ظالمانه ای بود که در بین سلاطین و اعیان رواج داشت. اسلام برای کنترل این شیوه استثمار، قوانینی وضع کرد و آن را محدود نمود تا این قشر بتواند به حقوق مادی و معنوی خویش دست یابند.

ص: ۴۳

یک کنیز بیمار دارم و حاضر نیستم آن را در اختیار شما قرار دهم. امام بازگشت و من هم، به همراه ایشان رفتم. روز بعد، امام دوباره مرا به سوی آن شخص فرستاد و گفت: از او پرس که چه مقدار پول در قبال آن کنیز بیمار می خواهی. (۱)

هشام می گوید: به نزد صاحب کنیزان رفته و عین مطلب را به او گفتم. او نیز قبول کرد و با تعجب پرسید: من این کنیز را به تو می دهم به شرط اینکه بگویی، آن شخص



بزرگواری که دیروز همراهت بود، که بود؟! من پاسخ دادم: مردی از بنی هاشم. صاحب کنیزان گفت: از کدام تیره بنی هاشم؟! هشام - به جهت مراعات مسائل امنیتی - پاسخ داد: بیشتر از این نمی توانم بگویم.

در آن هنگام صاحب کنیزان، پرده از رازی مهم برداشت و گفت: اینکه از هویت آن بزرگوار پرسیدم، دلیل داشت؛ زیرا این کنیز را که اکنون بیمار است از مغرب آورده ام. در آنجا زنی روشن ضمیر از اهل کتاب (قدیسه ای از نصاری) وقتی چشمش به این کنیز افتاد، به من گفت: این

---

۱- از اینجا معلوم می شود که امام کاظم علیه السلام، از جایگاه حضرت خیزران و اینکه او مادر یکی از حجّت های الهی خواهد بود، آگاه بوده و جز به اشخاصی مانند هشام احمر، نمی توانست اعتماد کند.

ص: ۴۴

دوشیزه کیست که به همراه داری؟! من گفتم: او را به جهت همسری خودم اختیار کرده ام! اما آن قدیسه ربانی گفت: قطعاً این طور نیست و او شایسته بهترین شخص ربانی در روی زمین است و پس از ازدواج با آن شخص که بهترین و والاترین بنده شایسته حق تعالی است، خداوند فرزندی به ایشان عنایت خواهد کرد که مانند او [در زمان خودش] در شرق و غرب نیست!

هشام می گوید: وقتی این سخنان را از صاحب کنیز شنیدم، در حالی که سخت تعجب کرده بودم، به همراه آن کنیز به خانه امام کاظم علیه السلام رفته و آن دوشیزه را به محضرش بردم. امام پس از نگاه محبت آمیزی که به چهره سراسر حجب و حیای خیزران

علیها السلام انداخت و به سلام و ادب وی پاسخ داد، وی را به ازدواج امام رضا علیه السلام در آورد. (۱)

هشام در ادامه این روایت می گوید: «این دوشیزه پاک سیرت، بعدها «ام البنین» نامیده شد و به او خیزران مریسیه و سکن نوییه نیز می گفتند». (۲)

البته در نقل نیشابوری به جای «وَلَدَتِ ابْنَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ»، «وَلَدَتِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ» آمده است.

۱- روضه الواعظین، نیشابوری، ص ۲۳۵.

۲- روضه الواعظین، نیشابوری، ص ۲۳۵.

ص: ۴۵

با توجه به اینکه اکثر منابع، تنها فرزند امام رضا علیه السلام و یا حداقل تنها پسر ایشان را، امام جواد علیه السلام دانسته اند، بنابراین، لقب «ابن الرضا علیه السلام» فقط در مورد حضرت جواد الائمه علیه السلام می تواند موضوعیت داشته باشد. توجه به اسامی ذکر شده نیز این نکته را بر ما روشن می نماید، والا باید این بانو، همسر امام کاظم علیه السلام باشد که هیچ کدام از این اسامی و اوصاف، با او تناسبی ندارد.

همچنین نقل این ماجرا از طریق قدیسه ای از اهل کتاب، بیانگر این است که علائم پیامبر (ص) و اوصیای ایشان در منابع عهد عتیق نیز آمده است.

ص: ۴۶

ص: ۴۷

**۵: تولد امام جواد علیه السلام**

بر اساس روایت قبلی و گزارش های مؤید آن، زندگی سراسر نور و برکت امام رضا علیه السلام با خیزران علیها السلام بایستی حدوداً از سال ۱۷۰ ه. ق شروع شده باشد که سن حضرت در آن هنگام نزدیک به بیست و دو سال بوده است. (۱)

در پاسخ به این سؤال که آیا قبل از ولادت حضرت جواد علیه السلام، امام فرزند دیگری از خیزران علیها السلام و یا از همسر دیگری غیر از خیزران داشته است، باید گفت، منابع معتبر اشاره ای به این مطلب نکرده اند. اما مرحوم طبرسی و ابن خشاب بغدادی از متقدمین و

---

۱- ولادت ایشان ۱۱ ذی القعدة ۱۴۸ ه. ق بوده، بنابراین هنگام ازدواج نزدیک به ۲۲ سال داشته اند.

ص: ۴۸

مرحوم محدث قمی از متأخرین، معتقدند که امام رضا علیه السلام بیش از یک فرزند داشته اند. طبرسی و ابن خشاب سه پسر به نام های «ابوجعفر اکبر»، «غیر از ابوجعفر اصغر که همان امام جواد علیه السلام است»، «حسن» که ممکن است کنیه ابوالحسن برای امام رضا علیه السلام با عنایت به آن باشد و «حسین» که ممکن است همان سید حسین یا شاهزاده حسین مدفون در قزوین باشد، هرچند به نظر می رسد وی از نوادگان آن حضرت است و یک دختر برای امام رضا علیه السلام برشمرده اند. (۱)

نام این دختر در منابع ذکر نشده، ولی از نقل محدث قمی برمی آید که نام وی «فاطمه» بود. در خصوص اسامی فرزندان حضرت، مرحوم محدث قمی می نویسد:

هرچند اغلب علما برای حضرت رضا علیه السلام، فرزندی به جز امام محمدتقی علیه السلام ذکر نکرده اند و شیخ مفید قدس سره به این نکته تصریح کرده، لکن علامه مجلسی قدس سره از قرب الاسناد حمیری نقل کرده که بزنتی خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: چند

۱- تاج الموالید فی موالید الائمة و وفیاتهم، فضل بن حسن طبرسی، ص ۵۱؛ تاریخ موالید الائمة، ابن خشاب بغدادی، ص ۳۷. ر. ک: الثاقب فی المناقب، باب فرزندان امام رضا علیه السلام.

ص: ۴۹

سال است [که] از شما درباره جانشینتان می پرسم، شما می فرمایید: پسر من؛ [پرسیدم:] خداوند دو پسر به شما موهبت فرموده، پس کدام یک از این دو هستند. (۱)

مرحوم محدث در ادامه این روایت، نام فاطمه بنت علی بن موسی الرضا علیه السلام را آورده است که روایت زیبایی را نیز از وی نقل می کند. متن این روایت طبق نقل وی چنین است:

عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ وَعَمِّهِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِمَا عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ وَعَمِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ وَ مَنْ حَسَّنَ خُلُقَهُ بَلَّغَهُ اللَّهُ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ. (۲)

فاطمه دختر امام رضا علیه السلام از پدران خود از حضرت رسول اکرم (ص) روایت کرده که فرمود: هر که بازدارد غضب خود را [خشم خود را فرو خورد] خداوند متعال عذاب خود را از او در روز قیامت باز خواهد داشت و هر که اخلاق خویش را نیک کند،

۱- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۵۳.

۲- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۵۳.

ص: ۵۰

خداوند متعال او را به درجه شخصی که دائماً روزها را روزه داشته و شب را قیام به نماز شب داشته، مقرر کند.

محدث قمی در دنباله این گزارش می نویسد: «وی همسر محمد بن جعفر بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر طیار می باشد». (۱)

اما همان طور که ذکر شد، در بیشتر منابع، تنها حضرت جواد علیه السلام به عنوان فرزند امام رضا علیه السلام ذکر شده است. همچنین این منابع یکی از دلایل تحیر شیعه در پیدا کردن امام و شناسایی حجت حق تعالی بعد از امام رضا علیه السلام را دیر فرزنددار شدن ایشان دانسته اند. (۲)

جریان میلاد امام جواد علیه السلام به این صورت بود که: وقتی ایام رجب سال ۱۹۵ ه. ق فرا رسید، همگان در انتظار مولود مبارکی بودند. در سحرگاهان شب دهم حالتی بین خواب و بیداری، مادر را فرا گرفت. درد زایمان که تا دقایقی پیش او را به خود

۱- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۵۳ با اندکی تلخیص و تصرف.

۲- در این خصوص ر. ک: موسوعه الامام الجواد علیه السلام، جمعی از محققین؛ مسند امام رضا علیه السلام، عزیزالله عطاردی خوشانی؛ موسوعه کلمات الامام الجواد علیه السلام، پژوهشکده باقرالعلوم.

ص: ۵۱

مشغول ساخته بود از وی زائل گردید. در این لحظات امام رضا علیه السلام، در حجره مجاور مشغول راز و نیاز با حق تعالی بود. ناگاه صدای ملکوتی عرش نشینان، همزمان با انوار تابناکی که حجره مادر را نورانی می کرد، بشارت مولودی بابرکت را به ایشان داد.

بعد از گذشت دقایقی، ناگاه مادر، نوزادی زیبا، نورانی و خیره کننده را در کنار خویش دید که با گفتن شهادتین، به چهره مادرش می نگریست. آن گاه مادر، نوزادش را در بر گرفته و غرق بوسه نمود و در حالی که بر لب حمد و ستایش حق تعالی داشت، قطرات اشک از دیدگانش چون در غلطان فرو می ریخت. در آن هنگام، نجمه علیها السلام، (مادر امام رضا علیه السلام) و همچنین عمه های آن حضرت، خوشحال و مسرور، بستر خیزران علیها السلام را احاطه کرده و کودک را در آغوش گرفتند تا به پدر برسانند.

حضرت رضا علیه السلام نیز بعد از شکر حق تعالی، نام جدش پیامبر «محمد» را بر او نهاد. صبح آن روز، بستگان ایشان، گروه گروه برای تهنیت به منزل آن حضرت آمده و ضمن عیادت از حضرت خیزران علیها السلام، نوزادش امام جواد علیه السلام را نیز زیارت

ص: ۵۲

می کردند. آن روز، یعنی روز دهم رجب سال ۱۹۵ ه. ق، خانه های هاشمیان در مدینه غرق سرور و شادی بود؛ زیرا که امام محمد بن علی الجواد علیهما السلام متولد شده بود.

(۱)

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۴۹؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸؛ کمال الدین، ص ۳۰۸؛ الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۷۵. علامه حلی و برخی مانند وی نیز نیمه رمضان ۱۹۵ ه. ق را روز تولد جواد الائمه علیه السلام ذکر کرده اند. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۲۵.

ص: ۵۳

### ۶: خیزران علیها السلام در توصیف پیامبر (ص)

بزرگی مقام حضرت خیزران به اندازه ای است که حتی رسول گرامی اسلام (ص) از این بانو - که در آینده خواهد آمد - تمجید می کند! ایشان بنا بر نقل فرزند گرامی اش، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، در مورد خیزران علیها السلام چنین فرموده است:

بَابِي ابْنُ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ النَّوْبِيَّةِ. (۱)

پدرم فدای فرزندی که از بهترین کنیزان اهل نوبه پدید خواهد آمد.

۱- الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۱.

ص: ۵۴

ص: ۵۵

### ۷: طاهره و مطهره

وقتی که حضرت جواد علیه السلام متولد شد، پدر بزرگوارشان امام رضا علیه السلام به همسرش لقب «طاهره» و «مطهره» داد. (۱) اعطای چنین اوصاف و القابی از سوی حضرت

ثامن الحجج علیه السلام، نشان از مقام بلند و رفیع و ارزش های والای این همسر وفادار و مادر نمونه دارد.

طاهره و مطهره بودن این بانوی جلیل القدر، دلیل بر چند نکته است. اول، اوج ولایت پذیری، که ایشان را از جمله مؤمنات حقیقی معرفی می نماید و شهادت امام بر این مطلب، جای کوچک ترین شبهه ای را باقی نمی گذارد. دوم، نشان دهنده مرتبه ایمان و یقین آن

۱- موسوعه الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲.

ص: ۵۶

بانو است؛ زیرا مقام طهارت روحی است که انسان را به اوج یقین می رساند. سوم، توجه دادن به این نکته است که او از زنان بهشتی است و همنشین خوبان حقیقی عالم در جنت خواهد بود. طوبی لها و حسن مآب.

ص: ۵۷

### ۸: تشبیه به مریم صدیقه علیها السلام

حضرت مریم علیها السلام از بانوان نمونه عالم هستی است که خداوند متعال - بعد از معرفی حضرت آسیه به عنوان اولین الگوی زنان ایمانی - او را الگوی اهل ایمان معرفی کرده و می فرماید:

(وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا مِنَ الْقَانِنِينَ) (تحریم: ۱۲)



و همچنین به مریم، دختر عمران که دامان خود را پاک نگاه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرده و از مطیعان فرمان خدا بود.

در آیه دیگری، خداوند به مریم علیها السلام لقب «صدیقه» (۱)

۱- ر. ک: مائده: ۷۵.

ص: ۵۸

داده است. آن حضرت بنابر صریح قرآن، برترین زن زمانه خویش بود. (۱) پیامبر (ص) به همراه حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و آسیه مؤمنه، ایشان را نیز از جمله زنان برگزیده بهشتی معرفی کرد. (۲) همه این آیات و روایات که در شأن و منزلت حضرت مریم علیها السلام وارد شده است، دلالت بر اوج عظمت آن بانوی مکرمه نزد حق تعالی دارد. امام رضا علیه السلام همسر و مادر فرزندشان امام جواد علیه السلام را به مریم علیها السلام تشبیه کرده و در این باره می فرماید: «فرزندم [جواد علیه السلام] مانند عیسی بن مریم است و مادرش که زنی طاهره و مطهره بود او را به وجود آورد». (۳)

امام رضا علیه السلام در این روایت، به شأن و عظمت فرزند و همسرشان تصریح نموده اند.

۱- ر. ک: آل عمران: ۴۲.

۲- مسند احمد، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۹۳؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۵.

۳- موسوعه الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲.

ص: ۵۹

## ۹: حوادث دوران زندگی

حضرت خیزران علیها السلام، بخشی از زندگانی خود را تحت امامت و ولایت دو امام، یعنی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و همسرش حضرت رضا علیه السلام گذرانیده است؛ اما در مورد اینکه دوره امامت فرزندش، امام جواد علیه السلام را نیز درک کرده باشد، منبع مستندی یافت نشده است، هرچند می توان احتمال داد که ایشان در سال های اولیه بعد از شهادت امام رضا علیه السلام (۳۰ صفر سال ۲۰۳ ه. ق) زنده بوده و تحت ولایت حضرت جواد علیه السلام نیز قرار گرفته است.

ایشان در دوران زندگی با حضرت ثامن الحجج علیه السلام شاهد وقایع متعددی بود. اولین واقعه، دستگیری، زندانی شدن و شهادت امام کاظم علیه السلام و اوج سخت گیری ها بر اهل بیت علیهم السلام بود. روزی که خبر

ص: ۶۰

شهادت مظلومانه امام کاظم علیه السلام به مدینه رسید، او نیز مانند امام رضا علیه السلام، مادر ایشان حضرت نجمه علیها السلام، خواهران امام رضا علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام به سوگ نشست. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام وصیای خود را به فرزندش امام رضا علیه السلام کرده بود و در همه امور مربوط به همسران، فرزندان و مسائل دیگر، ایشان را وصی خویش قرار داده بود (۱)، ضمن اینکه نزدیکان از آل بنی هاشم و اصحاب خاص نیز از وصایت آن حضرت در امر امامت خبر داشتند.

پس از شهادت امام کاظم علیه السلام و آغاز امامت حضرت رضا علیه السلام، جاسوسان دربار با تحت نظر گرفتن امام علیه السلام، عرصه را بر امام و خاندانش سخت کرده بودند. اما با این حال، آن حضرت به دقت به وظایف عالی امامت اهتمام داشت و به ویژه امور مربوط به خاندان پدر را با کیاست و ظرافت خاصی انجام می داد.

در اواخر دوره هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ ه. ق) - که به دستور او سندی بن شاهک، (۲) امام کاظم علیه السلام را در آخرین مرحله دستگیری، به شهادت رسانده بود - تحولاتی در خراسان به ویژه در حوالی «مرو» رخ داد

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۱۶.

۲- مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۳۳۵.

ص: ۶۱

که نشان از شکل گیری اعتراضات جدی مخالفین علیه عباسیان داشت. این اوضاع اگرچه ذهن هارون را به خود مشغول کرده بود؛ ولی با این حال از امام رضا علیه السلام و از اقدامات حضرت در مدینه غافل نبود و توسط جاسوسان والی مدینه از وضعیت ایشان کسب اطلاع می کرد. البته این ادامه همان سیاستی بود که هارون از ابتدای خلافتش در کنترل سادات و علویان به کار بسته بود. (۱) هارون که در سال ۱۹۳ ه. ق، برای دفع شورش به خراسان رفته بود، در همان جا مُرد و در سناباد توس دفن گردید. (۲)

با مرگ هارون و اختلاف امین و مأمون بر سر حاکمیت، فضای بازتری برای امام رضا علیه السلام ایجاد شد و ایشان توانست با بهره گیری از این فرصت مغتنم به تربیت نیروهای مستعد و توجه جدی به امور علویان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام و نیز دیگر امور

پردازد. یکی از جلوه های امامت آن حضرت در این ایام، برپایی محافل علمی و گاهی هم افاضات نوربخشی بود که برای خاندان و نزدیکان خویش داشتند و همسرشان

۱- ر. ک: تاریخ الرسل و الامم و الملوک، محمد بن جریر طبری، ج ۸، صص ۲۳۵-۲۳۸؛ مقاتل الطالبیین، صفحات مربوط به قیام های نفس زکیه و شهید فخ.

۲- تاریخ الرسل و الامم و الملوک، ج ۸، ص ۳۴۶.

ص: ۶۲

حضرت خیزران علیها السلام نیز از آنها بهره ها می جست.

با ولادت امام جواد علیه السلام در دهم رجب سال ۱۹۵ ه. ق، نوری دیگر در زندگانی حضرت رضا علیه السلام متجلی شد و شیعه از وصی ایشان مطلع گردید. جواد الائمه علیه السلام که در همان اوان طفولیت، نور هدایت و امامت در جبین وی هویدا بود، از طرف پدر و در محافل خصوصی به عنوان امام بعد از آن حضرت معرفی می گردید. اگرچه به دلیل القائات برخی از خواص، عده ای بعدها از مسیر امامت منحرف شدند، ولی در اطراف حضرت رضا علیه السلام، بزرگوارانی بودند که با نفوذ کلام خود، به امامت و معرفی جواد الائمه علیه السلام، مساعدت شایانی نمودند. یکی از این اشخاص جلیل القدر، عموی امام رضا علیه السلام به نام «علی بن جعفر علیه السلام» (۱) بود که در گذشته نیز امامت برادرش حضرت کاظم علیه السلام را تبلیغ می کرد. وی مطالب مهمی نیز در ابواب فقهی از برادر پرسیده و نوشته بود که بعدها به عنوان «مسائل علی بن جعفر علیه السلام»، شهرت فراوانی در بین اصحاب و فقهای خاصه پیدا نمود.

نقل است که علی بن جعفر در یکی از مجالس آن

۱- علی بن جعفر عریضی، که در عریض در مدینه و بنا به قولی نیز در قم مدفون است.

ص: ۶۳

زمان که امام رضا علیه السلام به عموها و اطرافیان، درباره جانشینی فرزندش حضرت جواد علیه السلام تأکید می کرد، برخاست و دست برادرزاده اش (امام جواد علیه السلام) را گرفت و به عنوان بیعت عرضه داشت:

أَشْهَدُ أَنَّكَ إِمَامٌ عِنْدَ اللَّهِ. (۱)

من شهادت می دهم که تو در پیشگاه خداوند به حقیقت امام هستی.

در این هنگام، امام رضا علیه السلام با گریه فرمود:

عمو جان! آیا سخن پدرم موسی بن جعفر علیه السلام را به یاد می آوری که از طریق اجدادش، از پیامبر (ص) چنین نقل فرمود: پدرم فدای بهترین پسر کنیز (حضرت خیزران) از اهالی نوبه باد، که طیب و طاهرست و بین فرزندش و پدرش (امام جواد و امام رضا علیهما السلام) - با هجران و حرکت اجباری به خراسان و مرو - فاصله خواهد افتاد و در اثر این فراق، عده ای در انتخاب امام، راه ضلالت و هلاکت را خواهند پیمود!

علی بن جعفر علیه السلام عرض کرد: «فدایت شوم، راست گفتمی! مطلب همان است که می فرمایی». (۲)

۱- ارشاد، ج ۱، ص ۲۷۵؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۸.

۲- ارشاد، ج ۱، ص ۲۷۵؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۸.

ص: ۶۴

ص: ۶۵

**۱۰: حدیث هجران**

شاید مهم ترین فراز از زندگی حضرت خیزران علیها السلام و در عین حال جانکاه ترین آنها، رخدادی بود که باعث حرکت اجباری حضرت ثامن الحجج علیه السلام به سمت خراسان گردید و نتیجه آن، فراق و هجران دائمی بین ایشان و امام رضا علیه السلام بود که از همان آغاز، سوز و گریه آن را همراهی کرده و در نهایت منجر به شهادت امام و مقتدایشان در غربت گردید.

با کشته شدن امین در سال ۱۹۸ ه. ق در بغداد، عبدالله مأمون (۱۹۸ - ۲۱۸ ه. ق) به صورت رسمی در جایگاه هفتمین خلیفه عباسی قرار گرفت. شیوه تعامل وی با سادات و علویان از همان آغاز، حکایت از سیاستی جدید داشت. مأمون که از قدرت نظامی و تفکر سیاستمداران ایرانی همچون «فضل بن سهل

ص: ۶۶

سرخسی» برخوردار بود، وقتی که خطبه خلافت (سال ۱۹۸ ه. ق در مرو) به نام وی خوانده شد، با توجه به علاقه خراسانیان به سادات و علویان، خود را دوست ایشان و مخالف روش های قبلی که منجر به برخورد با سادات شده بود معرفی کرد. (۱)

از این رو، با مشورت فضل، تصمیم گرفت که امام رضا علیه السلام را به مرو بیاورد. وی چند هدف مهم از این حرکت داشت: اولاً، کنترل امام و کسانی که با ایشان رفت و آمد داشتند؛ ثانیاً، خلع سلاح مخالفین شیعی و علویانی که با وی سر جنگ داشتند و ثالثاً، کنترل و محدود نمودن ارتباط مردم با امام رضا علیه السلام که نتیجه همه اینها مشروعیت دادن به حاکمیت خودش بود. او برای تأمین این اهداف در نظر داشت در حرکتی نمایشی

و سیاسی، خلافت را به امام عرضه کند و در صورت عدم قبول آن، جانشینی خود را به آن حضرت تحمیل نماید.

در سال ۲۰۰ ه. ق، وقتی گروه اعزامی مأمون به فرماندهی «رجاء بن ابی ضحاک» وارد مدینه شده و خبر دعوت مأمون از امام را منتشر کردند، بهت و حیرت، مدینه را فرا گرفت؛ زیرا مردم از شیوه

۱- ر. ک: دولت عباسیان، محمد سهیل طقوش، صص ۱۳۵-۱۵۱.

ص: ۶۷

برخورد حاکمان عباسی با اهل بیت علیهم السلام اطلاع داشتند و این قضیه را عجیب می پنداشتند. روزی که امام رضا علیه السلام برخلاف میل باطنی در پذیرش دعوت طاغوت و تنها برای انجام وظایف سنگین امامت، این مسئله را پذیرفت و عزم حرکت نمود، اجتماع عظیمی از مردم مدینه النبی (ص) اطراف آن حضرت را گرفتند. همسر، برادران، خواهران و فرزندش امام جواد علیه السلام، نزدیک موکب امام قرار گرفته بودند و با اشک چشم ایشان را بدرقه می کردند. امام به خاندان خویش فرمود که، در فراق او گریه کنند؛ زیرا گریه فقط برای مسافری که امید برگشت دارد، مناسب نیست. (۱) در واقع امام با این سخن به همگان فهماند که این مسافرت اجباری است و مأمون قصد جان وی را دارد.

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۱۸.

ص: ۶۸

ص: ۶۹

**۱۱: در فراق امام**

مدتی بعد از هجرت امام رضا علیه السلام به خراسان، تحمّل فراق آن حُجت الهی بر نزدیکانشان به ویژه حضرت خیزران علیها السلام و امام جواد علیه السلام و نیز بر خواهران گرامی شان بسیار سخت بود.

از این رو، در پی هجرت عده ای از برادران و عموزادگان آن حضرت، همچون احمد بن موسی علیه السلام (ملقب به شاهچراغ) به ایران (۱)، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نیز به فاصله کمی، به همراه چند نفر از زنان اهل بیت و دیگر عموزادگان، به قصد زیارت برادرش امام رضا علیه السلام به سمت ایران حرکت کرد. ایشان در مسیر حرکت، به شهر ساوه رسیدند که در

---

۱- ر. ک: قیام سبزجامگان، اثر نگارنده، در مورد حرکت سادات به ایران در ابتدای قرن سوم.

ص: ۷۰

آن روزگار حاکمی معاند با اهل بیت علیهم السلام بر آن مسلط بود. به دستور آن حاکم جبار سربازان به این کاروان کوچک حمله کردند که در اثر این هجوم، جمعی از همراهان حضرت معصومه علیها السلام به شهادت رسیده و خود ایشان نیز به سمت قم - که شیعیان اهل بیت در آنجا سکونت داشتند - حرکت کرد. آن حضرت پس از رسیدن به قم، مورد استقبال بزرگان شهر، به ویژه اشعریان و در رأس آنان، جناب «موسی بن



خزرج» قرار گرفت و بعد از اقامتی چند روزه، در همین شهر وفات کرد و در آرزوی دیدار برادر جان داد. (۱)

این حادثه و نیز هجرت سایر علویان و سادات به ایران، باعث گسترش روزافزون مکتب تشیع گردید. چه زیبا سروده است شاعر که:

خمیر مایه استاد شیشه گر سنگ است

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد!

وقتی که مأمون مشاهده کرد محبت امام رضا علیه السلام در لها بیشتر شده و مناظرات ایشان با ارباب ادیان و فرق، موج عظیمی از ارادت نسبت به آن حضرت در شهرها برانگیخته است و همچنین به دلیل ناراحتی

۱- تاریخ قم، محمد بن حسن قمی، ص ۲۱۳.

ص: ۷۱

بزرگان عباسی در توجه ظاهری به امام و علویان، تصمیم گرفت که مرکز خلافت را به بغداد منتقل کند. وی برای اجرای این تصمیم، ابتدا فضل بن سهل را که از نقشه های قبلی وی اطلاع داشت، از میان برداشت و سپس امام (۱) را - در توفقی که در سناباد و در باغ «حمید بن قحطبه» جهت دیدن قبر پدرش هارون داشت - با سم مهلکی که به اجبار به امام خوراند به شهادت رسانید.

هنگامی که جنازه مطهر حضرت آماده تشییع بود، به اذن الهی، امام جواد علیه السلام بر سر بالین پدر حاضر شد و بر پیکر ایشان نماز خواند (۲)؛ در حالی که احدی جز خواص

و اصحاب سرّ امام بر آن مطلع نشد. هنگامی که خبر این حادثه جانگداز به مدینه رسید، حضرت خیزران علیها السلام با دلی مالا مال از غصّه و عشق اشک می ریخت و در فراق آن حضرت می سوخت و در این میان فقط امام جواد علیه السلام مونس تنهایی مادر بود. سرانجام پس از گذشت چند سال از شهادت امام رضا علیه السلام و تحمّل این دردِ جانکاه، حضرت خیزران علیها السلام، جان به جان آفرین تسلیم کرد و به دیار باقی شتافت.

۱- الارشاد، ج ۱، ص ۲۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۸.

۲- حدیقه الشیعه، احمد اردبیلی (محقق و مقدس اردبیلی)، ص ۶۶۰.

ص: ۷۲

ص: ۷۳

### کتابنامه

\* قرآن کریم

۱. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، چاپ ششم، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۲ ه. ش.

۲. اثبات الوصیه، ابوالحسن مسعودی، قم، نشر بصیرتی.

۳. الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، تحقیق:

سید محمدباقر الخراسان، بیروت، دارالنعمان للطباعة والنشر.

۴. الاختصاص، شیخ مفید، به تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.
۵. اختیار معرفه الرّجال، محمد بن حسن طوسی (شیخ الطائفه)، قم، نشر آل البيت، ۱۴۰۴هـ. ق.
۶. الاربعین فی امامه الائمه، محمد طاهر شیرازی القمی، تحقیق: سید مهدی رجایی، چاپ اول، ۱۴۱۸هـ. ق.
۷. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تحقیق و نشر آل البيت لاحیاء التراث، قم، دارالمفید.
۸. اعلام النساء المؤمنات، محمد حسّون، علی مشکور، اسوه، تهران، ۱۴۱۱هـ. ق.
- ص: ۷۴
۹. اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، چاپ اول، قم، نشر آل البيت، ۱۴۱۷هـ. ق.
۱۰. الامالی، سید مرتضی علم الهدی، تحقیق: سید محمد بدرالدین، قم، مکتبه مرعشی، ۱۴۰۳هـ. ق.
۱۱. الامالی، محمد بن حسن طوسی، قم، دارالثقافه، ۱۴۰۳هـ. ق.
۱۲. الامام الرضا علیه السلام، عزیزالله عطاردی، نشر کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۴۰۶هـ. ق.
۱۳. الانوار البهیة، شیخ عباس قمی، چاپ اول، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۷هـ. ق.
۱۴. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، چاپ دوم، بیروت، نشر الوفاء، ۱۴۰۳هـ. ق.

۱۵. البدایه و النهایه، اسماعیل بن کثیر دمشقی، تحقیق: علی شیری، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه. ق.

۱۶. تاج العروس، محمد زبیدی، بیروت، مکتبه الحیاه.

۱۷. تاج الموالید فی موالید الائمہ و وفیاتهم، فضل بن حسن طبرسی، قم، نشر مکتبه مرعشی، ۱۴۰۶ ه. ق.

۱۸. تاریخ ابن عساکر، هبهالله بن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، نشر دارالفکر، بی تا.

۱۹. تاریخ الرسل والامم و الملوک، محمد بن جریر طبری، تحقیق: ابراهیم محمد ابوالفضل، مصر، دارالمعارف.

۲۰. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، تهران، توس، ۱۳۶۱ ه. ش.

۲۱. تاریخ موالید الائمہ، ابن خشاب بغدادی، قم، مکتبه مرعشی، ۱۴۰۶ ه. ق.

ص: ۷۵

۲۲. تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان، چاپ اول، تهران، مشعر.

۲۳. تحریر الاحکام، علی بن یوسف بن مطهر حلّی (علامه حلّی)، تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ه. ق.

۲۴. الثاقب فی المناقب، عمادالدین بن حمزه طوسی، تحقیق: نبیل علوان، چاپ دوم، قم، نشر انصاریان، ۱۴۱۲ ه. ق.

۲۵. جغرافیای تاریخی حرکت امام رضا از مدینه تا مرو، جلیل عرفان منش، چاپ چهارم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵ ه. ش.

۲۶. الحقائق الناضره، یوسف بحرانی، تحقیق: محمدتقی ایروانی، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ه. ق.

۲۷. حدیقه الشیعه، احمد اردبیلی (مقدس و محقق اردبیلی)، تهران، نشر گلی.

۲۸. حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ابونعیم اصفهانی، نشر بیروت، ۱۳۸۷ ه. ق.

۲۹. الخرائج و الجرائح، هبه الله قطب الدین راوندی، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ه. ق.

۳۰. الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، سید علی خان مدنی، چاپ دوم، قم، نشر بصیرتی، ۱۳۹۷ ه. ق.

۳۱. دلائل الامامه، محمد بن جریر بن رستم امامی طبری، تحقیق و نشر: مؤسسه بعثت، چاپ اول، قم، ۱۴۱۲ ه. ق.

ص: ۷۶

۳۲. دولت عباسیان، محمد سهیل طقوش، ترجمه: حجت الله جودکی، چاپ سوم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ه. ش.

۳۳. الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، زین الدین جبل عاملی (شهید ثانی)، تحقیق: سید محمد کلانتر، چاپ اول، قم، نشر داوری، ۱۴۱۰ ه. ق.

۳۴. روضه الواعظین، محمد بن فتال نیشابوری، تحقیق: سید محمد مهدی خراسان، قم، نشر شریف رضی، بی تا.

۳۵. زنان دانشمند و راوی حدیث، احمد صادقی اردستانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ه. ش.

۳۶. الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، زین الدین علی بن یونس النباطی البیاضی، تحقیق: محمد باقر بهبودی، نجف، مکتبه مرتضویه.

۳۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، تحقیق و نشر: اعلمی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۴ه. ق.

۳۸. الغدیر، عبدالحسین امینی، تهران، علمیه.

۳۹. الفایق فی غریب الحدیث، محمود بن عمر زمخشری، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ه. ق.

۴۰. الفرج بعد الشده، قاضی ابوعلی تنوخی، چاپ دوم، قم، شریف رضی، ۱۳۶۴ه. ش.

۴۱. قیام سبزجامگان، بهاءالدین قهرمانی نژاد شائق، چاپ اول، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ه. ش.

ص: ۷۷

۴۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ه. ق.

۴۳. کشف الغمّه عن معرفه الاثمه، علی بن عیسی اربلی، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ه. ق.

۴۴. کمال الدین و تمام النعمه، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، تحقیق و تعلیقه: علی اکبر غفاری، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ ه. ق.

۴۵. لسان العرب، ابن منظور، چاپ اول، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ه. ق.

۴۶. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین هیثمی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه. ق.

۴۷. المحلّی، ابن حزم اندلسی، تحقیق: احمد شاکر، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۴۸. مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، تحقیق: عزت الله مولایی همدانی، چاپ اول، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۴ ه. ق.

۴۹. المستدرک علی الصحیحین، اسماعیل حاکم نیشابوری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ه. ق.

۵۰. مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر.

۵۱. مسند الامام الرضا علیه السلام، عزیز الله عطاردی، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.

۵۲. مسند الرضا، داود بن سلیمان الغازی، تحقیق: محمد جواد الحسینی الجلالی، چاپ اول، قم، مکتبه اعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ ه. ق.

ص: ۷۸

۵۳. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، تحقیق: احمد صقر، نجف، حیدریه، ۱۳۷۶ ه. ق.

۵۴. مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، نجف، نشر حیدریه، ۱۳۷۶ ه. ق.

۵۵. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، تهران، نشر جاودان.

۵۶. المنجد فی اللغة والاعلام، لویس معلوف، بیروت.

۵۷. موسوعه الامام الجواد، جمعی از محققین، زیر نظر ابوالقاسم خزعلی، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۱۹ ه. ق.

۵۸. موسوعه کلمات الامام الجواد، گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، قم، نور السجاد، ۱۳۸۲ ه. ش.

۵۹. الهدایه الکبری، حسین بن حمدان الخصیبی، چاپ چهارم، بیروت، نشر البلاغ، ۱۴۱۱ ه. ق.

۶۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن حرّ عاملی، تحقیق: شیخ محمد رازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.